

سید سعید ملک‌الساداتی: امنیت، دستاورد اقتصاد

برای پاسخگویی به چنین سؤالاتی، خبرنگار داریان گفت‌وگویی با دکتر سید سعید ملک‌الساداتی، استادیار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد داشته که در ادامه می‌خوانید.

1- نقش اقتصادی چابهار در اقتصاد ایران چیست؟

چابهار از موقعیت استراتژیک متمایزی در منطقه خاورمیانه برخوردار است. اهمیت چابهار به لحاظ نقش کلیدی که در کوتاه کردن مسیرهای حمل و نقل بین‌المللی دارد تعیین می‌شود. یکی از مهم‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده هزینه یا قیمت تمام شده محصولات کشورهای شرق آسیا در بازارهای بزرگی مثل اروپا و شرق روسیه، هزینه حمل و نقل است که به دلیل بعد مسافت و مسیرهای طولانی عدد خیلی بالایی است، یعنی محموله‌های تجاری شرق آسیا باید چند گذرگاه مهم را پشت سر بگذارند تا بتوانند به عنوان مثال به مسکو و سنت پترزبورگ و دریای مدیترانه برسند. به خاطر چنین اهمیتی است که کشور چین در سالهای اخیر تصمیم به سرمایه‌گذاری عظیم بر روی پروژه‌ی one belt one road گرفته است.

این پروژه یک مسیر حمل و نقل زمینی از چین، قزاقستان و بخشی از روسیه به اروپا می‌باشد که به نوعی احیاء جاده ابریشم سابق تلقی می‌شود. در واقع هدف این است که بتوانند از مسیرهای کوتاه‌تر زمینی محموله‌های شرق آسیا را به اروپا برسانند. این پروژه سرمایه‌گذاری عظیمی می‌خواهد که چین آن را شروع کرده و از کشورهای مختلف درخواست مشارکت کرده است. به نظر من مسیر حمل و نقلی که ما به واسطه بندر چابهار می‌توانیم توسعه بدهیم می‌تواند مسیر کوتاه‌تری نسبت به این گزینه باشد. به این معنا که محموله‌های تجاری از مسیر دریایی به بندر چابهار برسند و ما ترانزیت کالاها را در دو محور، یکی جنوب-شمال به سمت شرق دریای خزر و یکی جنوب شرقی-شمال غربی به سمت کشور آذربایجان توسعه بدهیم و نقش مهمی در تقسیم کار جهانی ایفا کنیم. به طور کلی پیوند خوردن با اقتصاد جهانی یکی از نکاتی است که باعث می‌شود که یک اقتصاد بتواند قدرت چانه‌زنی بالاتری در مبادلات اقتصادی و حتی سیاسی به دست بیاورد و اگر ایران بخواهد برای خودش یک نقش مشخص در حوزه حمل و نقل و ترانزیت کالا تعریف کند، این امر بدون شک با چابهار معنا پیدا می‌کند. این اهمیت اول چابهار به لحاظ لجستیک محور شرق و حمل و نقل کالا در ایران است.

نکته دوم امکان توسعه صنایع در چابهار است. منطقه آزاد چابهار می‌تواند یک منطقه اقتصادی ممتاز از حیث تولید محصولات استراتژیکی باشد که بازارهای بزرگ دارند. تجربه توسعه بندر ماهشهر در دهه 80 نشان می‌دهد که ما با سرمایه‌گذاری مناسب و اصولی در پایین دست محصولات پتروشیمی می‌توانیم صادرات غیر نفتی خودمان را توسعه بدهیم و حتی نیاز کشور را به واردات فراورده‌های نهایی پتروشیمی کم کنیم. اگر در این زمینه کوتاهی کنیم نتیجه این خواهد شد که کشورهای چین و هند که در حال توسعه صنایع پایین دست پتروشیمی خود هستند از ما خام خواهند خرید و خودشان این زنجیره ارزش را توسعه می‌دهند.

2- نقش چابهار در دیپلماسی اقتصادی کشور را چگونه تحلیل می‌کنید؟

نقش چابهار به لحاظ دیپلماسی اقتصادی به همان موقعیت ویژه ژئوپولیتیک این منطقه پیوند می‌خورد. از این منظر چابهار دست کم چند ویژگی ممتاز دارد:

اول: چابهار میتواند کانال ارتباطی باشد برای کشور هندوستان به منظور دستیابی به بازارهای مصرفی. هندوستان یک اقتصاد رو به رشد

است که طبق پیش بینی ها تا سال 2050 دومین اقتصاد بزرگ جهان بعد از چین می شود. این کشور با اتکا به جمعیت بالا و ظرفیت های بلااستفاده یک کشور بزرگ صنعتی خواهد شد و در این مسیر هم آمریکا از هندوستان به شدت حمایت می کند به این دلیل که هندوستان را به عنوان رقیبی برای چین می داند، در نتیجه از توسعه صنعتی کشور هندوستان حمایت می کند. هندوستان باید برای تولیدات انبوه خودش بازارهای مصرفی مناسبی پیدا کند و یکی از بزرگترین بازارهای مصرفی، بازار آسیای میانه (5 کشور قرقیزستان، قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان) و افغانستان است. و جالب اینجاست که این 5 کشور همگی کشورهای لندلاک (به آبهای آزاد دسترسی ندارند) هستند و حتی کشور ازبکستان دابل لندلاک است یعنی نه تنها خودش به آبهای آزاد دسترسی ندارد بلکه کشورهای اطرافش هم به آبهای آزاد دسترسی ندارند. بنابراین رسیدن به این بازارها نیازمند کشورهای واسطه ای است که راه زمینی فراهم کنند و هندوستان به لحاظ جغرافیایی اگرچه خیلی نزدیک است اما مسیر زمینی به این کشورها ندارد مگر از طریق پاکستان یا ایران. نکته دوم در تکمیل نکته اول این است که هندوستان و پاکستان مشاجره های سیاسی بزرگی دارند. پس هندوستان چاره ای ندارد که برای رسیدن به آن بازارها از مسیر ایران عبور کند و اولین بندر برای ورود به ایران و آسیای مرکزی از هندوستان، بندر چابهار است.

وجه دوم اهمیت چابهار اهمیت خاص این بندر برای کشورهای آسیای مرکزی برای دسترسی به آبهای آزاد است. بین کشورهای آسیا مرکزی حجم GDP قزاقستان 200 میلیارد دلار است. قزاقستان بعد از روسیه بزرگترین اقتصاد بعد از فروپاشی شوروی است و چون درحال صنعتی شدن است درآینده حرف های زیادی برای گفتن دارد. قزاقستان برای فروش محصولاتش به کشورهای حاشیه خلیج فارس به دنبال یک هاب توزیع است و چون ایران رابطه خوبی با کشورهای حاشیه خلیج فارس ندارد به سراغ عمان رفته است. درعین حال قزاقستان باز هم برای رسیدن به عمان نیازمند چابهار است. درنتیجه مشروط بر رفع مشکلات سیاسی با کشورهای خلیج، چابهار می تواند چنین نقشی را ایفا کند.

3- نیازهای توسعه چابهار را در چه می بینید؟

چابهار برای توسعه به مجموعه ای از پیش نیازهای سخت افزاری و نرم افزاری نیاز دارد. پیش نیاز فیزیکی و سخت افزاری، سرمایه گذاری های زیربنایی و توسعه حمل و نقل است.

به لحاظ سخت افزاری و زیربنایی توسعه چابهار مستلزم توسعه محور شرق ایران است. به این معنا که ما مسیر ترانزیت کالا در محور شرق را از چابهار تا گمرک لطف آباد توسعه بدهیم. در مسیر چابهار تا گمرک لطف آباد 4 گمرک دیگر وجود دارد: گمرک میلک که ما را به پاکستان مرتبط می کند، گمرک میل 78 که ما را از خراسان جنوبی به افغانستان متصل می کند، گمرک دوغارون و سرخس که ما را از خراسان رضوی به هرات وصل می کند و گمرک لطف آباد که از درگز ما را به ترکمنستان متصل می کند. باید محموله های تجاری بتوانند از چابهار این لاین را طی کنند و در مسیر خود به هریک از این گمرک ها دسترسی داشته باشند. توسعه ای این محور نیازمند توسعه حمل و نقل ریلی و زمینی و گزینه های پشتیبان مثل تیرپارک، بندر خشک، هتل، رستوران و... است. اما طبیعی است که این سرمایه گذاری به تنهایی کافی نیست و نیازمند یکسری پیش نیازهای سیاسی هم هست. پیش نیازهای سیاسی توسعه بندر چابهار هم لزوماً ملی نیست که همین ماجرا را پیچیده می کند. تا زمانی که مناقشات بین المللی ایران با کشورهای همسایه مثل ترکمنستان داشته باشیم turn over بار ما از لطف آباد کم می شود. وقتی افغانستان ناامن است حجم مبادلات این چینی کم می شود.

پیش نیازهای نرم افزاری نیازمند تقویت دیپلماسی اقتصادی و سیاسی ایران و کشورهای منطقه در جهت تنش زدایی است. یعنی بهبود روابط با کشور افغانستان و بهبود مناقشاتی که ایران با ترکمنستان و کشورهای خلیج فارس دارد. تا زمانی که این مناقشات وجود داشته باشد بهترین مسیر ترانزیتی ما هم ممکن است مورد اقبال عموم قرار نگیرد. ما باید بپذیریم که امنیت در یک کشور از مسیر اقتصاد فراهم می شود. اگر با این نگاه به توسعه اقتصادی توجه کنیم بندر چابهار دارای ظرفیت های بالایی است که می تواند به توسعه اقتصادی کشور هم کمک کند. می توانیم سرمایه های زیادی را جذب کنیم و در واقع سکوی پرشی برای کشور بوجود آوریم. در غیر این صورت هرنوع

سرمایه گذاری در محور لجستیک شرق یا هرنوع فعالیت اقتصادی دیگری بی نتیجه خواهد بود و محکوم به شکست است.

4- روش های جذب سرمایه گذاری در منطقه چیست؟

گزینه اول استفاده از سرمایه خارجی است اما با توجه به تحریم ها جذب سرمایه گذار در منطقه چابهار به آسانی قبل نیست. اگرچه معافیت هایی در این منطقه برای سرمایه گذاری داده شده است. اگر بتوانیم برای پروژه های مشخص در این منطقه از ظرفیت های او را مشارکت یا ظرفیت های جذب سرمایه های خرد مردمی استفاده کنیم، سرمایه های سرگردانی که در کشور جذب موسسات مالی مختلف یا پروژه های بی هویتی که در سال های گذشته تعریف شده اند را در جهت توسعه اقتصادی کشور تجهیز کنیم و معمولاً در این پروژه ها هم بازدهی های خوبی وجود دارد برای افراد حتی با سرمایه های کمتر.

5- چگونه می توان از فرصت های اقتصادی چابهار بیشتر و بهتر استفاده کرد؟

صرف نظر از ملاحظات اقتصاد بین الملل و دیپلماسی بین الملل که می تواند پیش نیاز توسعه چابهار باشد و صرف نظر از توسعه زیرساخت ها و سرمایه گذاری در آنها به نظر می رسد که نیروی انسانی در چابهار یک عامل مهم و کلیدی است. چابهار در عین اینکه نقش مهم و استراتژیکی در کشور دارد حجم بالایی از فقر و محرومیت را تجربه می کند. جمعیت بالای کپرنشینان و محرومیت از حداقل های دسترسی به آب بهداشتی سالم و مسکن به چشم می خورند. قاعدتاً هر نوع توسعه ای که در این منطقه بخواهد اتفاق بیفتد مستلزم عامل مهم نیروی انسانی ماهر و توسعه یافته است. توسعه در یک منطقه نمی تواند برونزا باشد یعنی منفک و مستقل از ظرفیت های بومی آن منطقه اتفاق نمی افتد. بسیاری از فعالیت های اقتصادی که در چابهار قابلیت توسعه دارند کاربر هستند مثل گردشگری. اگر صنعت گردشگری را در سواحل مکران بتوانیم توسعه بدهیم به دلیل ماهیت کاربری آنها اساساً می شود برای نیروی کار چابهار یا حتی در بخش های دیگر استان سیستان و بلوچستان فرصت شغلی ایجاد کرد. لازمی این موضوع این است که بتوانیم مناطق محروم را توانمندسازی کنیم. طریقی که در دست بررسی دولت است مبنی بر "توسعه دادن منطقه آزاد چابهار به کل چابهار" به نظر می رسد اقدام مناسبی باشد. اگر این اتفاق بیفتد مناطق محروم و کم برخوردار چابهار هم جزئی از این منطقه خواهند شد و شاید در آینده اقدامات جدی تری در جهت فقرزدایی و افزایش سطح مهارت و توانمندی مردم آن منطقه صورت بگیرد.

6- آینده چابهار را چگونه می بینید؟

با توجه به روندی که در سال های اخیر در مورد توسعه بندر چابهار در پیش گرفته شده به نظر می رسد چابهار توانسته خودش را در سیاست گذاری دولت در اولویت های بالاتری قرار بدهد. چابهار برای دولت اهمیت ویژه ای پیدا کرده است. دولت یازدهم استراتژی توسعه خودش در صنعت پتروشیمی را در چابهار دنبال می کند. من فکر می کنم بخشی از این نتیجه تغییر نگاه دولت به این بندر استراتژیک است. اما به نظر می رسد برای توسعه چابهار باید قدم های خیلی جدی تری هم برداشته بشود.

